



10.30495/QSF.2023.1961839.2889

Research Article

A Comparative Study of Women's Rights in Divine Religions

Vali Allah Safari¹, Mohammad Reza Ayati^{2*}, Asghar Arabian³

Abstract

Women's rights and their positions in the divine religions, especially in their books, have always been disputed and faced with different comments. A descriptive-analytical study of the contents of divine books shows that, for example, in psalms one can't find especial regulations in this regard. Although, in the old testament, the creation of woman follows the creation of man, but, in the new testament, this point of view has been turned into a more modified form. Quran, in general, considered the creation of the two coming from a single spirit. Quran and the old testament both assign divorce and polygamy rights to men. While, the rights of social, religious, and political activities for women are in common between Quran and the new testament. Also, the prohibition of having an instrumental look towards women is the most important common point in the three abovementioned divine religious books.

Keywords: Bible, Torah, Women's Rights, the Old Testament, the New Testament, Quran

How to Cite: Safari VA, Ayati MR, Arabian A., A Comparative Study of Women's Rights in Divine Religions, Journal of Quranic Studies Quarterly, 2023;14(54):155-167.

1. Ph.D student of Islamic Jurisprudence and Principles of Islamic Law, Faculty of Law, Theology and Political Science, Science and Research Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran
2. Professor of Department of Islamic Jurisprudence and Principles of Islamic Law, Faculty of Law, Theology and Political Science, Science and Research Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran
3. Associate professor of Department Private Law, Faculty of Law, Theology and Political Science, Science and Research Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran

Correspondence Author: Mohammad Reza Ayati

Email: smrayati@yahoo.com

Receive Date: 26.06.2022

Accept Date: 09.09.2023



بررسی تطبیقی حقوق زنان در کتب ادیان الهی

ولی الله صفری^۱، سید محمدرضا آیتی^{۲*}، اصغر عربیان^۳

چکیده

حقوق زن و جایگاه آن در ادیان الهی و بالاخص کتب آسمانی و مذهبی آنها، همواره محل مناقشه و تفسیرهای مختلف بوده است. مطالعه توصیفی - تحلیلی مفاد کتب آسمانی، نشان دهنده آن است که در زبور، نمی‌توان مقرر و ویژه‌ای را در این خصوص یافت. با وجود اینکه در عهد عتیق، آفرینش زن به تبع آفرینش مرد تلقی شده لیکن این امر در عهد جدید، صورت تعدیل شده‌تری به خود گرفته و در قرآن کریم، به کلی، خلقت آن دو، از نفس واحده دانسته شده است. اختصاص حق طلاق به مرد و جواز تعدد زوجات، از مشترکات قرآن و عهد عتیق در خصوص حقوق زنان است؛ در حالی که جواز فعالیت‌های اجتماعی، مذهبی و سیاسی زنان را می‌توان از نقاط مشترک قرآن و عهد جدید برشمرد. منع استفاده ابزاری از زنان نیز مهمترین وجه مشترک در هر سه کتاب آسمانی و مذهبی اشاره شده می‌باشد.

واژگان کلیدی: انجیل، تورات، حقوق زن، عهد جدید، عهد عتیق، قرآن کریم

۱. دانشجوی دکترای تخصصی رشته فقه و مبانی حقوق اسلامی، دانشکده حقوق، الهیات و علوم سیاسی، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران

۲. استادگروه فقه و مبانی حقوق اسلامی، دانشکده حقوق، الهیات و علوم سیاسی، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران

۳. دانشیار گروه حقوق خصوصی، دانشکده حقوق، الهیات و علوم سیاسی، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران

ایمیل: smrayati@yahoo.com

نویسنده مسئول: سید محمدرضا آیتی

مقدمه و بیان مسئله

زن و جایگاه و مقام او در طول تاریخ، همواره به عنوان یک موضوع چالش برانگیز مطرح بوده است. داستان خلقت زن، جسم زن، احساس و ادراک زن و نگرش‌ها و نظریاتی که در این باب ارائه شده او را به عنوان جنس دوم (به تعبیر سیمون دوبوار) مطرح کرده است. نظریات و نگرش‌هایی که در مورد زن به وجود آمده، رفته رفته صورت انسانی‌تری به خود گرفته است. این تغییر در نگرش‌ها، باعث بهبود در شرایط و موقعیت زن نیز گردید (کاظمی زند و مختاری، ۱۳۹۷: ۱۱۲). آنچه در این میان قابل توجه است، آموزه‌های کتب ادیان الهی (توحیدی)^۱ در این زمینه است. آیات و کلمات متعددی در قرآن کریم، عهد عتیق (و تورات به عنوان قسمتی از آن) و عهد جدید (و انجیل به عنوان بخشی از آن) به موضوع زن پرداخته که هریک نشانگر اهمیت آن در این متون مقدس است (قادری، ۱۳۹۲: ۲۱). با توجه به آنچه گفته شد، در این پژوهش، بر آن شدیم تا با استفاده از منابع کتابخانه‌ای و به شیوه توصیفی - مروری، به مطالعه تطبیقی در خصوص حقوق و نیز جایگاه زن در کتب دینی ادیان الهی (توحیدی) بپردازیم؛ بر این مبنا، پرسش اصلی پژوهش را می‌توان اینگونه مطرح نمود که جایگاه حقوق زن در کتب دینی ادیان الهی (توحیدی) چگونه است؟ از آنجا که حقوق زن به طور عام، طیف وسیعی از مطالب را شامل می‌شود که در یک مقاله نمی‌توان به تمامی آنها پرداخت، لذا در این مقاله، تمرکز بر موضوعات مشخصی همچون حق فعالیت اجتماعی زنان و نیز موضوعات مرتبط با طلاق و جایگاه آنها در کتب دینی ادیان الهی (توحیدی) خواهد بود.

حقوق زن در کتب ادیان الهی

۱. زبور

زبور نام کتابی است که بر اساس قرآن و روایات اسلامی، بر حضرت داوود (ع) نازل شده است. نام زبور سه بار در قرآن و در سوره‌های مبارکه نساء (آیه ۱۶۳)، انبیاء (آیه ۱۰۵) و اسراء (آیه ۵۵) ذکر شده است.

۱- ادیان الهی (ادیان توحیدی) مجموعه‌ای از ادیان هستند که عبارتند از اسلام، مسیحیت، یهودیت و زرتشت. در این خانواده از ادیان، دو انشعاب کلی وجود دارد؛ گروه اول ادیان سامی (ادیان ابراهیمی) می‌باشند که عبارتند از اسلام، مسیحیت و یهودیت و دسته دوم دین زرتشت است که برخلاف سه دین دیگر، دارای خواستگاهی آریایی است. فارغ از ویژگی نژادی، در این دسته از ادیان، اصول مشابه فراوانی یافت می‌شود که مهم‌ترین آن‌ها سه اصل توحید، نبوت و معاد می‌باشد؛ اگرچه که توحید در مسیحیت با تثلیث و در دین زرتشت با ثنویت همراه است (توفیقی، ۱۳۸۳: ۶۶).

کتاب زبور، امروزه در کتاب مقدس و در عهد عتیق با عنوان «مزامیر داوود» و در ۱۵۰ فصل آمده است که هر فصلی را «مزمور» می‌نامند و «مزامیر» جمع است. هرچند برخی از فصل‌ها را نمی‌توان گفت همان زبور حضرت داوود است؛ چون این کتاب‌ها دست‌خوش تحریف و دگرگونی بوده‌اند؛ اما قسمت‌های زیادی از این ۱۵۰ فصل را می‌توان از زبور حضرت داوود دانست (مکارم شیرازی، ۱۳۹۲، ج ۴: ۲۱۶). با توجه به آراء و نظریات متعددی که بیان شده است بین ۶۶ تا ۸۰ مزمور را به حضرت داوود نسبت داده‌اند (قاسم‌نژاد و انصاری‌پور، ۱۳۹۷: ۱۵۸).

طبق احادیث ائمه معصومین - علیه‌السلام - در کتاب زبور به مسائل و موضوعات زیر اشاره گردیده است:

(الف) یک سلسله معارف اعتقادی راجع به توحید و نبوت حضرت داوود (ع) و معاد و یاد مرگ و تذکر و اتمام حجت راجع به انسان‌هایی که اهل طاعت و عمل نیستند (مجلسی، ۱۳۹۶، ج ۱۴: ۴۵).

(ب) یک سلسله پیش‌بینی‌ها و پیش‌گویی‌ها همچون بشارت به ظهور حضرت عیسی و حضرت یحیی (جزائری، ۱۳۵۷: ۳۵۳) و بشارت به پیامبر آخرالزمان که به اسم از ایشان نام برده شده است و همچنین آمدن و ظهور منجی برای انسانها و اینکه زمین در نهایت وارث آن بندگان شایسته خداوند خواهد بود.

(ج) یک سلسله مسائل و دستوره‌های تربیتی و رفتاری (حرعاملی و نوری، ۱۳۸۵، ج ۷: ۷) که خطاب به داوود نبی (ع) بوده است. با وجود آنکه در مزامیر حضرت داوود (ع)، همه‌ی مردم اعم از زن و مرد مخاطب آن حضرت اند (بختیار و رضایی، ۱۳۹۱: ۶۲).

چون کتاب زبور، کتاب شریعت نیست و حضرت داوود (ع) و امت وی مکلف به شریعت حضرت موسی (ع) بوده‌اند (طیب، ۱۳۷۸، ج ۴: ۲۷۲)، بنابراین نمی‌توان مقرر و حکم خاصی را در مورد حقوق زنان از این کتاب استنباط نمود و لاجرم بایستی به مطالعه در عهد عتیق (تورات) پرداخت.

عهد عتیق

آیین یهود در تاریخ عالم، قدیمی‌ترین نمونه دیانت توحیدی را در بین اقوام سامی نشان می‌دهد. اساس آن، شریعت موسی است که برای قوم، هم مبنای اعتقاد است و هم قانون اخلاق (زرین‌کوب، ۱۳۶۹: ۱۸۹). «کتاب مقدس» عنوان مجموعه‌ای از نوشته‌های کوچک و بزرگ است که یهودیان، بخشی از آن‌ها را کتاب آسمانی و الهی خود می‌دانند (میشل، ۱۳۹۶: ۲۵). کتاب مقدس شامل ۶۶ کتاب است که ۳۹ کتاب آن به «عهد عتیق» و ۲۷ کتاب آن نیز به «عهد جدید» تعلق دارد. کتاب مقدس یهود، «عهد عتیق» نامیده می‌شود که مشتمل بر تورات و کتب منسوب به سایر انبیای بنی اسرائیل است و همانگونه که گفته شد، مجموعاً ۳۹ کتاب می‌شود که در طول بازه تاریخی میان

پیامبری حضرت موسی (ع) تا قبل از میلاد مسیح توسط پیروان او نوشته شده است. آنچه امروزه به عنوان «تورات» شناخته می‌شود، همان پنج کتاب ابتدایی عهد عتیق است که به آن، «اسفار خمسه» نیز گفته می‌شود و مشتمل بر پنج سفر پیدایش (تکوین)، خروج، لاویان، اعداد و تثنیه است.

با وجود اینکه عهد عتیق، کرامت را مختص وجود آدمی دانسته، او را مسلط بر تمامی حیوانات و موجودات مطرح کرده و در بیان خود، هیچ امتیازی بین زن و مرد قائل نشده است (قادری، ۱۳۹۲ : ۳۵)، لیکن در آیات سفر پیدایش از تورات (به خصوص باب‌های ۲ و ۳)، آفرینش زن، آفرینشی مستقل از مرد تلقی نشده، بلکه آفرینشی وابسته به آفرینش مرد قلمداد گردیده است؛ به بیان دیگر، قوام آفرینش زن، به آفرینش مرد و به تبع آن و فرع آن است. آفرینش مرد، اصل است و آفرینش زن، فرع آن (اخلاقی، ۱۳۹۸ : ۸). در آیات ۲۱ تا ۲۴ از باب سوم سفر تکوین آمده است :

«خداوند، خواب سبکی را بر آدم مسلط کرد؛ پس آدم خوابید؛ سپس خدا یکی از دنده‌های او را گرفت و جای آن را با گوشت پر کرد. پروردگار آن دنده گرفته شده از آدم را زنی ساخت و پیش آدم حاضر کرد. آدم گفت : او اکنون استخوانی از استخوان‌های من و گوشتی از گوشت‌های من است.»

مطالعه دیگر بخش‌های عهد عتیق بالاخص میشنا و تلمود نیز نشان می‌دهد که حقوق زن نسبت به مرد، بسیار محدود می‌باشد؛ دختران حق فراگیری دروس دینی و پذیرش در مدارس دینی را ندارند و به طریق اولی، امید رهبری و کسب مقام اجتماعی و مذهبی برای آنان وجود ندارد (خوشدل رحمانی و حاتم‌زاده، ۱۳۹۱ : ۲۲). البته موارد استثنایی نیز در این زمینه به چشم می‌خورد؛ به عنوان نمونه، آیه‌ی ۴ از باب چهارم سفر داوران، از زنی به نام دبور^۱ نام می‌برد که در بین داوران آن زمان، تنها کسی است که سنت حضرت موسی (ع) را دنبال می‌کرد و بر بنی اسرائیل به عنوان قاضی حکم می‌راند.

در خصوص ازدواج، روایت خواستگاری و ازدواج حضرت اسحاق و رِلبکا (سفر پیدایش، باب بیست و چهارم) نشان می‌دهد که زنان در انتخاب همسر، آزادی زیادی داشته‌اند. در واقع، فقه یهود، رضایت عروس را شرط اصلی صحت ازدواج می‌داند. داستان حضرت یعقوب و راحیل (سفر پیدایش، باب بیست و نهم) هم نمونه‌ای از این امر است. یعقوب، چهارده سال کارگری کرد تا بتواند به وصال راحیل برسد.

علاوه بر تورات، در عهد عتیق، به مهریه نیز اشاره شده است. در باب یازدهم از سفر بم‌دیار آمده که پس از خروج قوم بنی اسرائیل از مصر و طی اقامتشان در بیابان سینا، سه هزار و سیصد سال

قبل، با نمادی در قالب «مزوزا» و «تفیلین» به آنها ابلاغ شد و از همان آغاز، یهودیان ملزم به اجرای آن شدند. اکنون نیز این موضوع بین اسرائیلی‌ها، از ارکان عقد نکاح است و در همه فرقه‌های یهود، نکاح بدون آن را باطل می‌دانند. زمانی که پدر دختر، او را به ازدواج مردی درمی‌آورد، صاحب مهریه دختر می‌شد. در واقع مهریه، نه به عنوان هدیه و پیشکش به زن، بلکه به معنای پرداخت مبلغی به پدر دختر بود. البته مهریه، فقط مبلغ نقد و پول نبود، بلکه ممکن بود مرد به جای پرداخت مبلغی، مدت معینی برای پدر دختر کار کند (سورل ماریاتو و برجی نژاد، ۱۳۹۷: ۳۱). این مطلب در سفر پیدایش و در ضمن بیان داستان حضرت یعقوب (ع) نیز بیان شده است.

در خصوص تعدد زوجات، این امر، در عهد عتیق، بی‌اشکال است. داستان حضرت ابراهیم (ع) و همسران وی (ساره و هاجر)، حضرت یعقوب و همسرانش (لیه و راحیل) و دیگر انبیاء همانند حضرت داوود (ع) و حضرت سلیمان (ع) از دسته گزارشهای مسلم عهد عتیق است (فیروزفرد و میریان آکندی، ۱۴۰۰: ۴۷).

در مورد طلاق، عهد عتیق (سفر تثنیه، باب ۲۴، آیات ۱ تا ۴) به شوهر حق می‌دهد که زنش را طلاق دهد؛ هرچند صرفاً به دلیل اینکه از او خوشش نیاید (نصیری، ۱۳۹۴: ۵۳). البته عهد عتیق نه تنها به مرد حق می‌دهد که همسر ناپسندش را طلاق دهد، بلکه طلاق دادن «همسر بد» را ضروری نیز می‌داند.

عهد عتیق همچنین برقراری رابطه (ولو رفاقتی صرف) پیش از ازدواج را هم برای زن و هم برای مرد، به شدت نهی کرده و از این حیث، قائل به تفاوت و تبعیض میان آن دو نیست (شریفی، ۱۳۹۸: ۴۷).

عهد جدید

پس از ظهور حضرت عیسی (ع)، زنان که تا آن زمان به گفته مورخان، همواره قربانی ظلم و ستم بودند و شأن و مقامی در اجتماع نداشتند، دین آن حضرت را مأمّن مناسبی برای خویش یافتند و گروه گروه به وی ایمان آوردند (حکمت، ۱۳۷۲: ۲۲۳).

همانگونه که پیشتر نیز گفته شد، کتاب مقدس شامل ۶۶ کتاب است که ۳۹ کتاب آن به «عهد عتیق» و ۲۷ کتاب آن نیز به «عهد جدید» تعلق دارد. ۲۷ کتاب اخیرالذکر، نزد مسیحیان، «کلام خدا» خوانده می‌شود و غیر از اناجیل اربعه (که شامل انجیل متی، انجیل مرقس، انجیل لوقا و انجیل یوحناست)، مشتمل بر اعمال رسولان، مکاشفه یوحنا و ۲۱ نامه منسوب به حواریون حضرت عیسی (ع) است (زرین کوب، ۱۳۶۹: ۱۹۶).

در اناجیل (متی ۱۳/۹؛ لوقا ۳/۸ و ۲) ملاحظه می‌شود که حضرت عیسی (ع) زنان و حتی زنان بدکاره را به راحتی به حضور می‌پذیرد؛ چرا که رسالت خویش را در بازگرداندن گناهکاران به سوی

خدا می‌داند تاحدی که به او لقب «دوست گناهکاران» را می‌دهند (بختیار و رضایی، ۱۳۹۱: ۶۳-۶۲)؛ همچنین در اناجیل، از یاران حضرت عیسی (ع)، تحت عنوان برادران و خواهران عیسی یاد شده است (توفیقی، ۱۳۷۹: ۱۱۲) که نشان‌دهنده نگاه برابر به زن و مرد می‌باشد. به طور کلی، زنان در اناجیل، نمود بیشتری دارند؛ در انجیل یوحنا (۴/۴۲-۱)، حضرت به راحتی با زنان گفت و گو می‌کند و کلام خداوند را به آنان تعلیم می‌دهد.

با بررسی عهد جدید (مرقس ۴۱/۱۵، متی ۵۶/۲۷)، نقش فعالانه‌ی زنان در تبلیغ و ترویج دین مسیحیت نیز در سطح جوامع آشکار می‌گردد. زمانی که حضرت عیسی (ع) به شهرهای مختلف سفر می‌کرد، از حضور زنانی یاد می‌شود که برای خدمت به او و شاگردانش، وی را همراهی می‌کردند. همچنین از کتاب اعمال رسولان (۱۶/۱۵-۱۳) نیز چنین برمی‌آید که زنان به فعالیت‌های اجتماعی می‌پرداختند (بختیار و رضایی، منبع پیشین: ۷۱-۶۷). در خصوص حق زمام‌داری زنان نیز در عهد جدید، سخنی از این امر به چشم نمی‌خورد و تنها در یک مورد (متی ۴۲/۱۲ و لوقا ۳۱/۱۱) از ملکه‌ی سبأ سخن به میان می‌آید (همان: ۶۹).

در خصوص ازدواج، عهد جدید، تعدد زوجات را بر نمی‌تابد (فیروزفرد و میریان آکندی، ۱۴۰۰: ۴۷) و در مورد طلاق، آشکارا از فسخ‌ناپذیری ازدواج حمایت می‌کند (متی ۵/۳۲)؛ چرا که عقاید زناشویی مسیحی بر اساس این مفهوم از حضرت عیسی (ع) است که زن و شوهر را یک تن می‌داند (همان)؛ بر این مبنا، طلاق، در انجیل، حرام شمرده شده است (مرقس ۱۰/۱۱، لوقا ۱۶/۱۸)؛ مگر در وقتی که زنی به همسرش خیانت کرده باشد (متی ۱۹/۹).

قرآن کریم

در قرآن کریم، حدود ۴۰۰ آیه درباره زنان نازل شده که بیانگر اهمیتی است که این کتاب الهی برای زنان و نقش آنها در اجتماع قائل می‌شود (جلیلی، ۱۳۸۴: ۲۰). در قرآن، شرافت انسان به روح اوست و روح، جنسیت‌پذیر نیست و مرد و زن، هر دو از نفس واحده خلق شده‌اند (نساء/۱).^۱

۱- «يَا أَيُّهَا النَّاسُ اتَّقُوا رَبَّكُمُ الَّذِي خَلَقَكُمْ مِنْ نَفْسٍ وَاحِدَةٍ.. وَخَلَقَ مِنْهَا زَوْجَهَا وَبَثَّ مِنْهُمَا رِجَالًا كَثِيرًا وَنِسَاءً...» ای مردم! از (مخالفت) پروردگارتان بپرهیزید! همان کسی که همه شما را از یک انسان آفرید؛ و همسر او را (بیز) از جنس او خلق کرد؛ و از آن دو، مردان و زنان فراوانی (در روی زمین) منتشر ساخت.

در همین راستا، آیات متعددی از قرآن (آل عمران/۱۹۵، نساء/۱۲۴، حجرات/۱۳، نحل/۴۹۷، احزاب/۳۵) به برابری زن و مرد در بهره مندی‌های روحانی و مقام انسانی اشاره می‌کنند.

۱ - «فَاسْتَجَابَ لَهُمْ رَبُّهُمْ أَنِّي لَا أُضِيعُ عَمَلَ عَامِلٍ مِنْكُمْ مِنْ ذَكَرٍ أَوْ أُنْثَىٰ بَعْضُكُمْ مِنْ بَعْضٍ فَالَّذِينَ هَاجَرُوا وَأُخْرِجُوا مِنْ دِيَارِهِمْ وَأُوذُوا فِي سَبِيلِي وَقَاتَلُوا وَقَاتَلُوا لَأُكَفِّرَنَّ عَنْهُمْ سَيِّئَاتِهِمْ وَلَأُدْخِلَنَّهُمْ جَنَّاتٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ ثَوَابًا مِنْ عِنْدِ اللَّهِ وَاللَّهُ عِنْدَهُ حَسَنُ الثَّوَابِ». پس خدا دعاهای ایشان را اجابت کرد که البته من (که پروردگارم) عمل هیچ کس از مرد و زن را بی‌مزد نگذارم، زیرا شما از یکدیگرید (و همه در نظر من یکسانید)، پس آنان که از وطن خود هجرت نمودند و از دیار خویش بیرون رانده شدند و در راه من رنج کشیدند و جهاد کرده و کشته شدند همانا بدیهای آنان را ببوشانم و آنها را به بهشتی درآورم که زیر درختانش نهرها جاری است. این پاداشی است از جانب خدا، و نزد خدا است پاداش نیکو.

۲ - «وَمَنْ يَعْمَلْ مِنَ الصَّالِحَاتِ مِنْ ذَكَرٍ أَوْ أُنْثَىٰ وَهُوَ مُؤْمِنٌ فَأُولَٰئِكَ يَدْخُلُونَ الْجَنَّةَ وَلَا يُظْلَمُونَ نَقِيرًا». و کسی که چیزی از اعمال صالح را انجام دهد، خواه مرد باشد یا زن، در حالی که ایمان داشته باشد، چنان کسانی داخل بهشت می‌شوند و کمترین ستمی به آنها نخواهد شد.

۳ - «يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّا خَلَقْنَاكُمْ مِنْ ذَكَرٍ وَأُنْثَىٰ وَجَعَلْنَاكُمْ شُعُوبًا وَقَبَائِلَ لِتَعَارَفُوا إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ أَتْقَاكُمْ إِنَّ اللَّهَ عَلِيمٌ خَبِيرٌ». ای مردم! ما شما را از یک مرد و زن آفریدیم و شما را تیره‌ها و قبیله‌ها قرار دادیم تا یکدیگر را بشناسید؛ (اینها ملاک امتیاز نیست)، گرامی‌ترین شما نزد خداوند با تقواترین شماست؛ خداوند دانا و آگاه است!

۴ - «مَنْ عَمِلَ صَالِحًا مِنْ ذَكَرٍ أَوْ أُنْثَىٰ وَهُوَ مُؤْمِنٌ فَلَنُحْيِيَنَّهٗ حَيَاةً طَيِّبَةً وَلَنَجْزِيَنَّهُمْ أَجْرَهُمْ بِأَحْسَنِ مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ». هرکس کار شایسته‌ای انجام دهد، خواه مرد باشد یا زن، در حالی که مؤمن است، او را به حیاتی پاک زنده می‌داریم و پاداش آنها را به بهترین اعمالی که انجام می‌دادند، خواهیم داد.

۵ - «إِنَّ الْمُسْلِمِينَ وَالْمُسْلِمَاتِ وَالْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ وَالْقَانِتِينَ وَالْقَانِتَاتِ وَالصَّادِقِينَ وَالصَّادِقَاتِ وَالصَّابِرِينَ وَالصَّابِرَاتِ وَالْخَاشِعِينَ وَالْخَاشِعَاتِ وَالْمُتَصَدِّقِينَ وَالْمُتَصَدِّقَاتِ وَالصَّائِمِينَ وَالصَّائِمَاتِ وَالْحَافِظِينَ فُرُوجَهُمْ وَالْحَافِظَاتِ وَالذَّاكِرِينَ اللَّهَ كَثِيرًا وَالذَّاكِرَاتِ أَعَدَّ اللَّهُ لَهُمْ مَغْفِرَةً وَأَجْرًا عَظِيمًا». به یقین، مردان مسلمان و زنان مسلمان، مردان با ایمان و زنان با ایمان، مردان مطیع فرمان خدا و زنان مطیع فرمان خدا، مردان راستگو و زنان راستگو، مردان صابر و شکیبا و زنان صابر و شکیبا، مردان با خشوع و زنان با خشوع، مردان انفاق‌کننده و زنان انفاق‌کننده، مردان روزه‌دار و زنان روزه‌دار، مردان پاکدامن و زنان پاکدامن و مردانی که بسیار به یاد خدا هستند و زنانی که بسیار یاد خدا می‌کنند، خداوند برای همه آنان مغفرت و پاداش عظیمی فراهم ساخته است.

قرآن کریم در برخی آیات (احزاب/۳۳)^۱ در برابر استفاده‌ی ابزاری از زنان در عصر جاهلی مقابله کرده (حمیدی کلیجی، ۱۳۸۴ : ۲۱) و در برخی دیگر (النحل/۵۹، التکویر/۹-۸، النساء/۱۹، النور/۳۳)^۲ نیز حفظ کرامت انسانی و اجتماعی زنان را گوشزد نموده است (عطاش، ۱۳۹۲ : ۱۰۵).

۱- « وَقرنَ فی بیوتکنَّ وَا تَبَرَّجْنَ تَبَرُّجَ الْجَاهِلِیَّةِ الْأُولَى وَأَقِمْنَ الصَّلَاةَ وَآتِیْنَ الزَّكَاةَ وَأَطِعْنَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ إِنَّمَا یُرِیدُ اللَّهُ لَیذْهَبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَیْتِ وَیُطَهِّرَکُمْ تَطْهِیرًا ». و در خانه‌های خود بمانید، و همچون دوران جاهلیت نخستین (در میان مردم) ظاهر نشوید، و نماز را برپا دارید، و زکات را بپردازید، و خدا و رسولش را اطاعت کنید؛ خداوند فقط می‌خواهد پلیدی و گناه را از شما اهل بیت دور کند و کاملاً شما را پاک سازد.

۲- « یَتَوَارَى مِنَ الْقَوْمِ مِنْ سُوءِ مَا بُشِّرَ بِهِ أُمُّ یُسُفَّیةَ عَلَی هُونٍ أَمْ یَدُسُّهُ فِی التُّرَابِ أَلَا سَاءَ مَا یَحْكُمُونَ ». و از عار این مژده روی از قوم خود پنهان می‌دارد (و به فکر می‌افتد) که آیا آن دختر را با ذلت و خواری نگه دارد و یا زنده به خاک گور کند؟ آگاه باشید که آنها بسیار بد حکم می‌کنند.

۳- « وَإِذَا الْمَوْءُودَةُ سُئِلَتْ بِأَیِّ ذَنْبٍ قُتِلَتْ ». و در آن هنگام که از دختران زنده به گور شده سؤال شود : به کدامین گناه کشته شدند؟!

۴- « يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا يَجِلْ لَكُمْ أَنْ تَرْتُوا النِّسَاءَ كَرِهًا وَلَا تَعْضُلُوهُنَّ لِتَذْهَبُوا بِبَعْضِ مَا آتَيْتُمُوهُنَّ إِلَّا أَنْ يَأْتِيَنَّ بِفَاحِشَةٍ مَبِينَةٍ وَعَاشِرُوهُنَّ بِالْمَعْرُوفِ فَإِنْ كَرِهْتُمُوهُنَّ فَعَسَى أَنْ تَكْرَهُوا شَيْئًا وَيَجْعَلَ اللَّهُ فِيهِ خَيْرًا كَثِيرًا ». ای کسانی که ایمان آورده‌اید! برای شما حلال نیست که از زنان، از روی اکراه (و ایجاد ناراحتی برای آنها)، ارث ببرید! و آنان را تحت فشار قرار ندهید که قسمتی از آنچه را به آنها داده‌اید (از مهر)، تملک کنید! مگر اینکه آنها عمل زشت آشکاری انجام دهند. و با آنان، بطور شایسته رفتار کنید! و اگر از آنها، (بجهتی) کراهت داشتید، (فوراً) تصمیم به جدایی نگیرید! چه بسا چیزی خوشایند شما نباشد، و خداوند خیر فراوانی در آن قرار می‌دهد!

۵- « وَلَيْسَتَعْفِیْفِ الدِّینِ لَا یَجِدُونَ نِكَاحًا حَتَّى یُعْطِیَهُمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ وَالَّذِینَ یَبْتَغُونَ الْكِتَابَ مِمَّا مَلَكَتْ أَيْمَانُكُمْ فُكَّاتُیُوهُمْ إِنْ عَلِمْتُمْ فِیهِمْ خَیْرًا وَأَتَوْهُمُ مِنْ مَالِ اللَّهِ الَّذِی آتَاكُمْ وَلَا تَكْرَهُوا فَتِیَانِكُمْ عَلَی الْبِغَاءِ إِنْ أَرَدْنَ تَحَصُّنًا لَبْتَتْنَ عَرَضَ الْحَیَاةِ الدُّنْیَا وَمَنْ یُكْرِهِنَّ فَإِنَّ اللَّهَ مِنْ بَعْدِ إِكْرَاهِهِنَّ غَفُورٌ رَحِیمٌ ». و کسانی که امکانی برای ازدواج نمی‌یابند، باید پاکدامنی پیشه کنند تا خداوند از فضل خود آنان را بی‌نیاز گرداند! و آن بردگانتان که خواستار مکاتبه (قرار داد مخصوص برای آزاد شدن) هستند، با آنان قرار داد ببندید اگر رشد و صلاح در آنان احساس می‌کنید (که بعد از آزادی، توانایی زندگی مستقل را دارند)؛ و چیزی از مال خدا را که به شما داده است به آنان بدهید! و کنیزان خود را برای دستیابی متاع ناپایدار زندگی دنیا مجبور به خود فروشی نکنید اگر خودشان می‌خواهند پاک بمانند! و هر کس آنها را (بر این کار) اجبار کند، (سپس) پشیمان گردد، خداوند بعد از این اجبار آنها غفور و رحیم است! (توبه کنید و بازگردید، تا خدا شما را ببخشد!)

مستنبط از آیات متعدد قرآن (احزاب/۳۵، توبه/۷۲)^۱، زنان همسنگ مردان و به مقتضیات فردی و اجتماعی می‌توانند در اجتماع به فعالیت بپردازند و این فعالیت می‌تواند دارای ابعاد سیاسی، اقتصادی، نظامی و فرهنگی باشد (آهی، ۱۳۹۵: ۵۴۲). فقط در یک مورد استثناء، خداوند در آیه ۳۳ سوره احزاب، زنان پیامبر را خطاب قرار داده که در آن، ضمن گوشزد کردن جایگاه ویژه آنان میان زنان، از آنان دعوت کرده در خانه‌هایشان قرار گیرند و برای خودنمایی در جامعه ظاهر نشوند و در حفظ عفاف بکوشند و به وظایف عبادی خود مشغول شوند (روحانی مشهدی، ۱۳۹۳: ۴۴۷). به طور کلی، مفسرین اهل سنت با استناد به آیه ۳۳ سوره احزاب و همچنین آیه ۳۴ سوره نساء^۲ و روایاتی که در سند آنان حاوی اشکالاتی است، مسئله فعالیت اجتماعی زنان را منع می‌کنند؛ از طرف دیگر مفسرین امامیه با استناد به همین آیات، فعالیت اجتماعی زنان را مشروط به اینکه در چارچوب قوانین الهی باشد، منع نمی‌کنند (مفتح و یوسفی، ۱۳۹۴: ۱۰۷).

در خصوص طلاق، مستنبط از آیات ۲۲ تا ۲۳۷ سوره مبارکه بقره، می‌توان مدعی شد که قرآن، حق طلاق را به مرد اعطا نموده است. البته در آیه ۲۴۱ از سوره مبارکه فوق^۳، در بیان حقوق زنان

۱ - «وَعَدَ اللَّهُ الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ جَنَّاتٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا وَمَسَاكِنَ طَيِّبَةً فِي جَنَّاتِ عَدْنٍ وَرِضْوَانٍ مِنَ اللَّهِ أَكْبَرَ ذَلِكَ هُوَ الْفَوْزُ الْعَظِيمُ». خداوند به مردان و زنان با ایمان، باغهایی از بهشت وعده داده که نهرها از زیر درختانش جاری است؛ جاودانه در آن خواهند ماند؛ و مسکن‌های پاکیزه‌ای در بهشتهای جاودان (نصیب آنها ساخته)؛ و (خشنودی و) رضای خدا، (از همه اینها) برتر است؛ و پیروزی بزرگ، همین است!

۲ - «الرِّجَالُ قَوَّامُونَ عَلَى النِّسَاءِ بِمَا فَضَّلَ اللَّهُ بَعْضَهُمْ عَلَى بَعْضٍ وَبِمَا أَنْفَقُوا مِنْ أَمْوَالِهِمْ فَالصَّالِحَاتُ قَانِتَاتٌ حَافِظَاتٌ لِّلْغَيْبِ بِمَا حَفِظَ اللَّهُ وَاللَّاتِي تَخَافُونَ نُشُوزَهُنَّ فَعِظُوهُنَّ وَأَهْجُرُوهُنَّ فِي الْمَضَاجِعِ وَأَضْرِبُوهُنَّ فَإِنْ أَطَعْنَكُمْ فَلَا تَبْغُوا عَلَيْهِنَّ سَبِيلًا إِنْ اللَّهُ كَانَ عَلِيًّا كَبِيرًا». مردان، سرپرست و نگهدارنده، بخاطر برتریهایی که خداوند (از نظر نظام اجتماع) برای بعضی نسبت به بعضی دیگر قرار داده است، و بخاطر انفاقهایی که از اموالشان (در مورد زنان) می‌کنند. و زنان صالح، زنانی هستند که متواضعند، و در غیاب (همسر خود)، اسرار و حقوق او را، در مقابل حقوقی که خدا برای آنان قرار داده، حفظ می‌کنند. و (اما) آن دسته از زنان را که از سرکشی و مخالفتشان بیم دارید، پند و اندرز دهید! (و اگر مؤثر واقع نشد، در بستر از آنها دوری نمایید!) و (اگر هیچ راهی جز شدت عمل، برای وادار کردن آنها به انجام وظایفشان نبود، آنها را تنبیه کنید!) و اگر از شما پیروی کردند، راهی برای تعدی بر آنها نجویید! (بدانید) خداوند، بلندمرتبه و بزرگ است. (و قدرت او، بالاترین قدرتهاست).

۳ - «وَلِلْمُطَلَّقاتِ مَتَاعٌ بِالْمَعْرُوفِ حَقًّا عَلَى الْمُتَّقِينَ». و برای زنان مطلقه، هدیه مناسبی لازم است (که از طرف شوهر، پرداخت گردد). این، حقی است بر مردان پرهیزکار.

در هنگام طلاق، اشاره گردیده است که: «و سزاوار است از سوی شوهران به صورتی شایسته، کالا و وسایل زندگی به زنان طلاق داده شده، پرداخت گردد، این حق لازم بر عهده پرهیزکاران است». همچنین در آیه ۴۹ سوره مبارکه احزاب مقرر گردیده است که: «ای اهل ایمان! هنگامی که زنان مؤمن را به همسری خود درآوردید، آن گاه پیش از آن که با آنان آمیزش کنید، طلاقشان داده‌اید، برای شما بر عهده‌ی آنان عده‌ای نیست که آن را بشمارید، پس آنان را به پرداخت نصف مهریه بهره‌مندشان کنید و به صورت پسندیده‌ای رهایشان سازید». همانگونه که مشاهده می‌شود، نظر قرآن بر این است که برای اعمال حق طلاق، محدودیت‌ها و موانعی برای مرد در نظر گرفته شود تا از ضایع شدن حقوق زنان جلوگیری به عمل آید (سلیمی و همکاران، ۱۳۹۷: ۷۳).

نتیجه‌گیری

حقوق زن و جایگاه آن در ادیان الهی و بالخصوص کتب آسمانی و مذهبی آنها، همواره محل مناقشه و تفسیرهای مختلف بوده است. بر مبنای یافته‌های این پژوهش، مشخص گردید که چون کتاب زبور، کتاب شریعت نیست، بنابراین نمی‌توان مقرر خاصی را در ارتباط با حقوق زنان از این کتاب استنباط نمود. در عهد عتیق، آفرینش زن، آفرینشی وابسته به آفرینش مرد قلمداد گردیده و حقوق وی نسبت به مرد، بسیار محدود می‌باشد. تعدد زوجات مرد، بلاشکال و طلاق نیز حق مرد تلقی گردیده است. اگرچه که حقوقی اندک همچون آزادی در انتخاب همسر و برخورداری از مهریه نیز برای زنان پیش‌بینی گردیده است. در عهد جدید، حضرت عیسی (ع) زنان و حتی زنان بدکاره را به راحتی به حضور می‌پذیرد و از یاران وی، تحت عنوان برادران و خواهران عیسی یاد شده است. همچنین نقش فعالیت اجتماعی زنان و نقش فعالانه‌ی آنها در تبلیغ و ترویج دین مسیحیت نیز در سطح جوامع آشکار بوده است. عهد جدید، تعدد زوجات را بر نمی‌تابد و در مورد طلاق، آشکارا از فسخ‌ناپذیری ازدواج حمایت کرده و در این ارتباط، هیچ تفاوتی را میان زن و مرد قائل نیست. در نهایت در قرآن کریم، حدود ۴۰۰ آیه درباره زنان نازل شده است. قرآن کریم، شرافت انسان به روح او وابسته دانسته و روح را، جنسیت‌پذیر تلقی ننموده و از این طریق، بر برابری زن و مرد در بهره‌مندی‌های روحانی و مقام انسانی صحنه گذاشته است. قرآن کریم همچنین ضمن مخالفت با استفاده‌ی ابزاری از زنان در عصر جاهلی، به کرات حفظ کرامت انسانی و اجتماعی زنان را گوشزد نموده است. همچنین زنان همسنگ مردان و به مقتضیات فردی و اجتماعی می‌توانند در اجتماع به فعالیتهای مختلف سیاسی، اقتصادی، نظامی و فرهنگی بپردازند.

در ارتباط با طلاق، قرآن، حق طلاق را به مرد اعطا نموده است؛ اگرچه که برای اعمال حق مزبور، محدودیت‌ها و موانعی را برای مرد در نظر گرفته است تا از ضایع شدن حقوق زنان جلوگیری به عمل آید.

منابع

الف) کتاب‌ها

- توفیقی، حسین (۱۳۷۹)، *آشنایی با ادیان بزرگ*، چاپ سوم، قم، انتشارات مهر.
- جزائری، نعمت‌الله بن عبدالله (۱۳۸۷)، *قصص الأنبياء*، ترجمه یوسف عزیزی، چاپ دوازدهم، تهران، انتشارات هاد.
- جلیلی، محمدرضا (۱۳۸۴)، *جایگاه زن در اسلام و یهودیت*، چاپ دوم، تهران، انتشارات دستان.
- حرعاملی، محمد بن حسن و نوری، میرزا حسین (۱۳۸۵)، *وسائل الشیعه و مستدرکها*، جلد هفتم، چاپ اول، قم، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
- حکت، علی اصغر (۱۳۷۲)، *تاریخ ادیان*، چاپ پنجم، تهران، انتشارات گوته.
- حمیدی کلیجی، سعید (۱۳۸۴)، *قرآن و طبیعت*، چاپ اول، قم، انتشارات حلم.
- زرین کوب، عبدالحسین (۱۳۶۹)، *در قلمرو وجدان، سیری در عقاید ادیان و اساطیر*، چاپ اول، تهران، انتشارات علمی.
- طیب، سید عبدالحسین (۱۳۷۸)، *اطیب البیان فی تفسیر القرآن*، جلد چهارم، چاپ دوم، تهران، انتشارات اسلام.
- مجلسی (عالمه)، محمد تقی بن مقصود علی (۱۳۹۶)، *بحار الأنوار*، جلد چهاردهم، چاپ سوم، قم، دارالکتب الاسلامیه.
- مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۹۲)، *تفسیر نمونه*، جلد چهارم، چاپ چهارم، قم، دارالکتب الاسلامیه.
- میشل، توماس (۱۳۹۶)، *کلام مسیحی*، ترجمه حسین توفیقی، چاپ چهارم، قم، انتشارات دانشگاه ادیان و مذاهب.

ب) مقاله‌ها

- آهی، محمد (۱۳۹۵)، *گفتمان قرآنی در ابعاد حضور اجتماعی زن*، فصلنامه زن در فرهنگ و هنر، دوره ۸، شماره ۴، صص ۵۵۶-۵۳۹.
- اخلاقی، مرضیه (۱۳۹۸)، *جایگاه و مقام زن در یهودیت و اسلام*، دوفصلنامه تخصصی پژوهش‌های اسلامی جنسیت و خانواده، سال ۲، شماره ۲، صص ۱۷-۷.
- بختیار، مریم و رضایی، اکرم (۱۳۹۱)، *بررسی مقام و جایگاه زن در اسلام و مسیحیت*، فصلنامه علمی - پژوهشی زن و فرهنگ، سال ۳، شماره ۱۱، صص ۷۳-۶۱.
- توفیقی، حسین (۱۳۸۳)، *مقدمه‌ای بر مقایسه ادیان توحیدی*، دوفصلنامه هفت آسمان، شماره ۲۲، صص ۷۳-۶۵.
- خوشدل رحمانی، مریم و حاتم‌زاده، نگین (۱۳۹۱)، *شخصیت زن در یهود و اسلام با تأکید بر جایگاه عرفانی آن*، فصلنامه عرفان اسلامی (ادیان و عرفان)، دوره ۸، شماره ۳۱، صص ۳۵-۱۳.

- روحانی مشهدی، فرزانه (۱۳۹۳)، نقش اجتماعی زنان در مقایسه با مردان: از نگاه قرآن و روایات، فصلنامه زن در فرهنگ و هنر، دوره ۶، شماره ۴، صص ۴۴۵-۴۶۰.
- سلیمی، مهناز و آیتی، سید محمدرضا و مهدوی، سید هادی (۱۳۹۷)، تحلیل تفاوت‌های حقوق زنان در فقه امامیه و ماده ۱۶ کنوانسیون رفع تبعیض علیه زنان (با تمرکز بر حقوق یکسان زوجین در دوران ازدواج و هنگام انحلال آن)، فصلنامه مبانی فقهی حقوق اسلامی، دوره ۱۱، شماره ۱ (پیاپی ۲۱)، صص ۷۵-۵۳.
- سورل ماریاتو، کاهر کامدم و برجی‌نژاد، زینب (۱۳۹۷)، حق مهریه زن در ادیان ابراهیمی، دوفصلنامه تخصصی پژوهش‌های اسلامی جنسیت و خانواده، سال ۲، شماره ۲، صص ۱۹-۳۴.
- شریفی، عنایت‌الله (۱۳۹۸)، اخلاق جنسی قبل از ازدواج در قرآن و عهدین، فصلنامه پژوهشنامه معارف قرآنی، دوره ۱۰، شماره ۳۶، صص ۳۷-۶۴.
- عطاش، عبدالرضا (۱۳۹۲)، جایگاه حقوقی زن در قرآن کریم، فصلنامه علمی - پژوهشی زن و فرهنگ، سال ۴، شماره ۱۶، صص ۱۱۰-۱۰۳.
- فیروزفرد، پری و میریان آکندی، سید احمد (۱۴۰۰)، بررسی مقایسه‌ای گزاره‌های اخلاقی مرتبط با ازدواج، خانواده و طلاق در قرآن و عهدین، فصلنامه پژوهش‌های ادیبانی، دوره ۹، شماره ۱۸، صص ۴۱-۵۷.
- قادری، سیدرضی (۱۳۹۲)، شخصیت وجودی زن از منظر قرآن و عهدین، دوفصلنامه هفت آسمان، دوره ۱۵، شماره‌های ۵۶ و ۵۷، صص ۳۹-۲۱.
- قاسم‌نژاد، زهرا و انصاری‌پور، جمیله (۱۴۰۰)، وارثان زمین در پایان تاریخ از منظر تورات، زبور، انجیل و قرآن با تکیه بر اشتراکات، فصلنامه علمی - ترویجی مهدویت، دوره ۷، شماره ۲۶، صص ۱۷۶-۱۵۳.
- کاظمی زند، علی‌اصغر و مختاری، مهدی (۱۳۹۷)، بررسی تطبیقی حقوق زن در قرآن و اعلامیه جهانی حقوق بشر، فصلنامه تحقیقات حقوق خصوصی و کیفی (دانشنامه حقوق و سیاست)، دوره ۱۴، شماره ۳۶، صص ۱۲۴-۱۱۱.
- مفتح، محمدهادی و یوسفی، سحر (۱۳۹۴)، فعالیت اجتماعی زنان در آرای مفسرین فریقین با استناد به آیات ۳۳ احزاب و ۲۴ نساء، فصلنامه پژوهش‌های تفسیر تطبیقی، دوره ۱، شماره ۲، صص ۹۹-۱۱۸.
- نصیری، حلیمه (۱۳۹۴)، بررسی تطبیقی برخی از مسائل زنان در اسلام، مسیحیت و یهودیت، دوفصلنامه علمی - تخصصی مطالعات پژوهشی زنان، سال ۲، شماره ۳، صص ۶۲-۳۹.

COPYRIGHTS

© 2023 by the authors. Licensee Islamic Azad University Jiroft Branch. This article is an open access article distributed under the terms and conditions of the Creative Commons Attribution 4.0 International (CC BY 4.0) (<https://creativecommons.org/licenses/by/4.0/>)

ارجاع: صفری ولی الله، آیتی سید محمدرضا، عربیان اصغر، بررسی تطبیقی حقوق زنان در کتب ادیان الهی، فصلنامه مطالعات قرآنی، دوره ۱۴، شماره ۵۴، تابستان ۱۴۰۲، صفحات ۱۶۷-۱۵۵.